

بررسی اثر بخشی آموزش پیش از ازدواج بر قصه عشق دانشجویان

سارا درویش زاده^{*}
دکتر غلامرضا پاشا^{**}

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی اثر بخشی آموزش پیش از ازدواج، بر قصه‌های عشق دانشجویان دختر مجرد، بر اساس نظریه قصه عشق اشترنبرگ، در شهرستان دزفول بود. در این پژوهش از بین داوطلبین شرکت در کارگاه آموزش پیش از ازدواج، تعداد ۵۰ دانشجوی به شکل تصادفی ساده انتخاب شدند و به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم گردیدند. جهت گردآوری داده‌ها از مقیاس قصه عشق اشترنبرگ استفاده گردید. طرح تحقیق از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر تغییر قصه‌های عشق جامعه پسند، سلطه جویی، سلطه پذیری، سرگرمی ولذت جویی موثر است و فرضیه‌های پژوهش در سطح ۰/۰۱ معنی دار بودند.

کلید واژه: قصه‌های عشق، آموزش پیش از ازدواج، نظریه قصه عشق اشترنبرگ

* کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان (نویسنده مسئول)
** استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

مقدمه

تمام افرادی که می خواهند ازدواج کنند قبل از شروع زندگی زناشویی به تحقق زندگی مشترک موفق و بادوام امیدوارند (اولیاء، ۱۳۸۸). واقعیت امر این است که زندگی زناشویی همیشه در معرض خطر است و مشکلات متعددی نظیر نارضایتی زناشویی، اعتیاد همسر، روابط خارج از چارچوب خانواده، مشکلات مالی و... آن را تهدید می کنند. گاهی این مشکلات چنان پیچیده و لاینحل می شوند که چاره ای جز طلاق باقی نمی ماند. یکی از ریشه های بروز این مشکلات اشتباه در فرایند انتخاب، در ابتدای زندگی زناشویی است که ادامه مسیر زندگی را با دشواری های فراوانی روبرو می سازد. آماده شدن برای ازدواج رویکرد نسبتاً تازه ای برای پیشگیری از نارضایتی و شکست در زندگی زناشویی است و مبتنی بر این دیدگاه است که زوجها می توانند یاد بگیرند که چگونه از دواچهای موفق و پایداری داشته باشند (عطاری، خالقی نژاد، عباس پور، راسخ، ۱۳۸۷). امروزه در جهان بیش از ۱۰۰ برنامه آموزش پیش از ازدواج وجود دارد که در محتوی، جمعیت مورد هدف و شیوه های آموزش با یکدیگر متفاوتند (روبین، ۲۰۰۵). هدف زیر بنایی بسیاری از رویکردهای آماده سازی / غنی سازی ازدواج، کمک به قوی تر شدن پیوندهای زناشویی است. جنبش غنی سازی ازدواج نقش بزرگی را در رشد و بالندگی میلیون ها زوج در سراسر جهان به خود اختصاص داده است (اولسون و اولسون، ۱۹۹۹). در اکثر برنامه های آموزشی ازدواج مهارت های ارتباطی مانند گوش کردن و ابراز خود به طور موثر، مهارت های مدیریتی و کنترل تعارضات، مهارت های حل مسئله، مسایل مربوط به صمیمیت و دوستی، عشق و تعهد، خود آگاهی، هوش هیجانی و مسئولیت پذیری آموزش داده می شود (اندرسون، ۲۰۰۵). در بسیاری از برنامه های آموزش پیش از ازدواج بر اهمیت تمرین های ارتباطی، روشن ساختن محیطها و موارد عدم توافق، افزایش صمیمیت زوجین، مفهوم انتظارات زوجها از زندگی و تاثیر این انتظارات بر روابط میان آنها تاکید می شود (خمسه، ۱۳۸۲).

یکی از جنبه های مهم ازدواج بررسی مسایل عاطفی است. چیزی که تحت عنوان عشق از آن یاد می شود. اسپرچر^۴ (۲۰۰۲) در پژوهش خود دریافت که عشق یکی از مولفه های لازم برای ازدواج است. عشق، یک حالت واحد و تک بعدی نیست بلکه پدیده ای نسبتاً پیچیده و چند بعدی است که افراد، آن را در انواع روابط بسیار گسترده انسانی تجربه می کنند. در واقع واژه عشق را برای توصیف روابط متنوعی از قبیل رابطه بین عشاق، زوجهای مزدوج، والدین و فرزندان و دوستان نزدیک بکار می برند (ارونسون، ۱۹۹۹، ترجمه شکرکن، ۱۳۸۲). رابین^۶ (۱۹۷۰) عشق ورزی را به لحاظ مفهومی، متفاوت از دوست داشتن می داند و پرسشنامه هایی را برای اندازه گیری این دو حالت به وجود آورده است. بنابر نظر رابین عشق ورزی صرفاً مقدار بیشتری از دوست داشتن نیست، بلکه معمولاً مستلزم مجموعه ای از احساسات و نگرانیها در باره معشوق است که از نظر کیفی متفاوتند. از این منظر، دوست داشتن با تمجید و تحسین و محبت دوستانه همراه است، آنچنان

1. Robin
2. Olson & Olson
3. Anderson
4. Sprecher
5. Aronsone
6. Rubin

که در عنوانی از این قبیل منعکس شده است: فلائی همان کسی است که دوست داشتم مانند او بودم. بر عکس عشق ورزی عموما دربردارنده احساسات نیرومند وابستگی، صمیمیت و یک نگرانی عمیق برای بهروزی معشوق است. درحالیکه مطالعات رایین حاکی از آن است که از لحاظ نظری بین دوست داشتن و عشق تفاوت وجود دارد، محققان دیگر توجه خود را به انواع گوناگونی از عشق جلب کرده‌اند. هتفیلد و والاستر^۲ (۱۹۷۸) و هتفیلد و راپسون^۳ (۱۹۹۳) بین دو نوع عشق تمایز قابل‌شدنی، عشق آتشین و عشق مصاحبتی. عشق آتشین با هیجانهای شدید، تمنای جنسی و اشتغال شدید فکری به معشوق مشخص می‌شود. آغاز آن سریع است تا تدریجی، و تقریبا به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، حرارت سرکش آن با گذشت زمان رو به سردی می‌گذارد. در پاره‌ای از روابط، عشق آتشین ممکن است مقدمه‌ای برای پرورش نهایی عشق مصاحبتی باشد. یعنی تجربه خفیف‌تر و پایدارتری، که با احساس اعتماد متقابل، قابلیت اتکاء و گرمی مشخص می‌شود. در مقایسه با شدت معمولاً کوتاه عشق آتشین، عشق مصاحبتی، عموماً طولانی‌تر است و در طول زمان عمق پیدامی‌کند.

اشترنبرگ^۴ در سال ۱۹۹۸ نظریه مثلث عشق خود را مورد ارزیابی مجدد قرار داد و نظریه عشق به مثابه یک قصه را معرفی نمود. این نظریه بر مبنای رویکرد روان‌سنجی است. در این نظریه می‌توان عشق را با توجه به طیف وسیعی از عاطفه‌ها، اندیشه‌ها و انگیزش‌های متفاوت باهم، شناخت. پدیده‌هایی مثل علاقه و میل به دیگری، برقراری ارتباط متقابل به صورت شایسته و حمایت از یکدیگر. مشکل نظریه مثلثی در این بود که به نظر می‌رسید در این نظریه اجزاء تشکیل‌دهنده عشق، مبین عناصر عشق هستند و این عناصر را توضیح می‌دهند، بی‌آنکه آنها را به شیوه‌ای روشمند، سازماندهی کنند و بی‌آنکه نشان دهند چرا هر فردی انسان خاصی را دوست دارد و انسان دیگری را دوست نمی‌دارد اشترنبرگ، ۱۹۹۸ ترجمه بهرامی، ۱۳۸۶).

در دیدگاه عشق به مثابه یک داستان، فرض بر این است که ما آدمیان گرایش داریم عاشق کسانی شویم که قصه‌هایشان با قصه ما یکی است یا مشابه آن است، اما نقش آنها در قصه‌ها مکمل نقشی است که ما داریم و بدین ترتیب، این اشخاص از جهاتی مثل خود ما هستند و از جهاتی دیگر به صورت بالقوه با ما متفاوت‌اند. اگر از سر اتفاق عاشق کسی شویم که قصه کاملاً متفاوت با ما داشته باشد آن وقت است که هم رابطه ما و هم عشقی که زیر ساخت این رابطه است وضعیتی متزلزل می‌یابد. در چنین حالتی یا باید به دنبال شخص دیگری باشیم و رابطه مان را تغییر دهیم یا آنکه قصه خودمان را عوض کنیم. در این الگو افراد از زمانی که متولد می‌شوند، شروع به شکل دادن داستانهایی در این مورد می‌کنند به این معنی که معتقدند عشق چه چیزی می‌باید باشد. همچنین تماشای والدین و روابط بین آنها، فیلم و خواندن کتاب و سایر رسانه‌ها، همه و همه انتظار فرد را راجع به روابط عاشقانه شکل می‌دهد. همین تجارب متفاوت باعث شکل‌گیری قصه‌های افراد می‌شود و این قصه‌های مختلف توجه‌کننده آن است که چرا دو همسر، یک رویداد واحد را، یک جور نمی‌بینند. علت این است که هر همسر عملکردها و رویدادها را در چارچوب داستان خاصی تفسیر می‌کند که با داستان آن دیگری متفاوت است (اشترنبرگ، ۱۹۹۸، ترجمه بهرامی، ۱۳۸۶). تمامی این قصه‌ها در

1. Hatfield
2. Walaster
3. Rapson
4. Sternberg

۵ عامل اصلی تحت عنوان قصه های جامعه پسند، قصه های سلطه جویی، قصه های سلطه پذیری، قصه های لذت و قصه های سرگرمی خلاصه می شوند.

قصه های جامعه پسند

در این قصه ها روابط همسران با تشریک مساعی همراه است. این قصه ها از مقبولیت اجتماعی بالایی برخوردار هستند و بارضایت زناشویی ارتباط مثبتی دارند. افرادی که دارای قصه های جامعه پسند می باشند دارای ملاکهایی برای روابط عاشقانه هستند که ممکن است این ملاکها بیرونی (توسط جامعه و آموزشها) و یادرونی (براساس تجزیه و تحلیل خودشان) باشند.

قصه های سلطه جویی

مهمترین مشخصه این قصه ها تسلط، قدرت و بهره برداری یک شریک از شریک دیگر است. در این نوع قصه ها قواعد رابطه بین همسران را، یک نفر تعیین و تعریف می کند. فردی که چنین قصه ای دارد به شریکش به چشم کسی نگاه می کند که نقش او صرفاً برآورده کردن نیازهای وی است. نقش های افراد دارای قصه سلطه جویی با هم برابر نیستند.

قصه های سلطه پذیری

در این قصه ها نیز نابرابری نقش ها وجود دارد با این تفاوت که دارندگان این قصه ها سلطه پذیر هستند و مقهور شریکشان می شوند. آنان تمایل دارند در مقابل همسر خود، تبعیت داشته و کوتاه آیند. این افراد از پرداختن به گفتگوهای مفید و سازنده خودداری کرده و در نتیجه از ایجاد یک رابطه صمیمانه باز می مانند. آنان از خویش اراده ای نداشته و مطابق با خواست و میل همسرشان زندگی می کنند.

قصه های لذت جویی

آنچه در این قصه ها قابل توجه است، برجستگی و اهمیت لذت جسمی و جنسی است. در این قصه ها فرد به دنبال شریکی می گردد که منبع لذت باشد و آنچه برای او اهمیت دارد فیزیکی ظاهری و جذابیت جسمانی همسرش است. آنان همسر خود را به چشم فردی نگاه می کنند که تامین کننده نیازهای جنسی آنان است.

قصه های سرگرمی

افرادی که چنین قصه هایی دارند با دید سرگرمی و تفریح به روابط خود می نگرند و ازدواج را نوعی مشغولیت می دانند. روابط این افراد سطحی است و بین همسران فاصله عاطفی وجود دارد. در نتیجه به یک رابطه صمیمی، و عمیق و واقعی نخواهند رسید.

با توجه به مطالب بیان شده و تاثیری که عشق در زندگی زوجین و یا اختلافات و تعارضات آنان دارد و همچنین بحث آموزش پیش از ازدواج و اینکه این آموزش بر اساس تحقیقات (امیدوار، ۱۳۸۶) تاثیر زیادی در کنترل تعارضات و پیشگیری از آنها دارد، مسئله ای که نظر پژوهشگر را، در پژوهش حاضر به خود جلب کرده این است که آیا آموزش پیش از ازدواج بر قصه عشق دانشجوین دختر مجرد موثر است یا خیر؟

شیلینگ^۱، باکوم^۲، برنت^۳ و راگلند^۴ (۲۰۰۳) در یک مطالعه طولی ۳۹ زن و ۳۹ مرد را مورد بررسی قرار دادند.

1. Schilling

2. Baucom

3. Burnett

4. Ragland

این زوجها در برنامه آموزشی ارتقاء و افزایش ارتباط، شرکت کرده بودند. نتایج نشان داد که نمرات پس آزمون مردان نسبت به نمرات پیش آزمون آنها در ارتباطات منفی کاهش یافته است و خطر پیش روی مشکلات زناشویی در آنان کاهش یافته است. اما افزایش نمرات زنان در ارتباطات منفی که خودشان علت آن را اجتناب از استفاده از فرایند حل مسئله که یاد گرفته بودند، خطر بالای شروع آشفتگی در زنان را نشان می داد. به طور کلی زوجهایی که مردان آنها دارای عوامل خطر ساز بیشتری قبل از ازدواج بودند، از مهارتهای ارتباطی فایده بیشتری برده بودند. به طور کلی آموزش ارتباط، برای زوجینی که دارای آشفتگی شدید هستند بیشتر از زوجینی که بر آشفتگی کمتری دارند اثر بخش است. هر چند که مطالعات تجربی نشان می دهد که این رویکرد یک راهبرد موثر برای زوجین دچار آشفتگی شدید، بر آشفتگی کم و نیز سایر افراد جویای برنامه غنی سازی می باشد.

میشل^۱ (۲۰۰۱) در یک پژوهش از یک آموزش ۱۴ ساعته قبل از ازدواج شامل آموزش همدلی و درک متقابل برای بهبود صمیمیت، کنترل تعارض و برخورد کارآمد با مشکلات طبیعی زندگی که ناشی از تفاوت در تفکرات، احساسات، نیازها و آرزوهای زوجین بود، استفاده کردند. این برنامه به جای ارائه موضوعات خاص، مجموعه ای از ۱۰ مهارت ارتباطی و حل مسئله را آموزش می داد که زوجها می توانستند با کمک آنها مسایل ارتباطی خود را حل کنند. در این پژوهش از گروههای آزمودنی کوچک استفاده شد و نتایج تاثیر مثبت آن را در سازگاری بین زوجین نشان داد. این تحقیق اثر بخشی این برنامه نسبت به سایر برنامه های مشابه را تایید می کند.

کارول و دوهرتی^۲ (۲۰۰۳) زوجینی را که در برنامه های آموزش پیش از ازدواج شرکت کرده بودند را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که این زوجها ۳۰ درصد بیشتر در ازدواج خود نسبت به آنهایی که آموزش ندیده بودند، موفق تر بودند. آنها گزارش دادند که با همسران خود ارتباط بیشتری دارند، مهارتهای مدیریتی حل مسئله را بهتر می دانند و در جنبه های مثبت ارتباطی مهارت بیشتری دارند. هم چنین پژوهش کارول و دوهرتی نشان داد افرادی که آموزش پیش از ازدواج دیده اند کمتر با طلاق مواجه می شوند.

فرانسیسکا^۳ (۲۰۰۴) در یک پژوهش در زمینه آموزش قبل از ازدواج، به افرادی که قصد ازدواج مجدد داشتند، به این نتیجه رسید، که این زوجین موضوعات منحصر به فردی دارند که توسط برنامه های آموزشی متداول پیش از ازدواج، برآورده نمی شود. آنها ۸ برنامه آموزشی برای این نوع زوجها طراحی کردند و در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که با آموزش پیش از ازدواج زوجینی که قصد ازدواج مجدد دارند، می توان خانواده های موفق و سازگاری که دارای محیط مناسب برای رشد والدین و فرزندان آنها فراهم کرد. به نحوی که بچه ها در خانواده ای همانند یک خانواده که با ازدواج اول شکل گرفته زندگی کنند. آنها معتقدند مریبان ازدواج با آموزش به این زوجها می تواند خدمت ارزشمندی به والدین به منظور تشکیل ازدواج دوم نمایند به گونه ای که این زوجها را از زوجهایی که اولین ازدواج آنها ست جدا کرد و با ارائه محتوی برنامه آموزشی متناسب با نیاز آنها به آنان کمک کرد به شکلی که نیازهای منحصر به فرد آنان متناسب با ازدواج

1. Michal
2. Carroll & Doherty
3. Francesce

دوم بر طرف شود.

مک جورج^۱ (۲۰۰۶) در یک تحقیق بر روی ۲۵ زوج که به مدت ۸ هفته در زمینه آمادگی و اقدام برای ازدواج آموزش دیده بودند متوجه شد که اطلاعات شرکت کنندگان در زمینه ارتباط زناشویی و خانواده سالم افزایش یافته و این افراد آمادگی بیشتری برای ازدواج دارند. همچنین آموزش پیش از ازدواج به شکل گروهی بهتر از آموزش به صورت انفرادی به هر زوج است. در زمینه اثر بخشی آموزش پیش از ازدواج بر روی مردان و زنان و مقایسه آنها با یکدیگر این تحقیق نشان داد که ۲ جنس به یک اندازه از آموزشها بهره می‌برند هر چند که زنها علاقه بیشتری به آموزش دارند.

اشترنبرگ (۱۹۹۵)، به نقل از کرمی (۱۳۸۶) با یک پرسشنامه ۷۵ ماده ای اقدام به ارزیابی دیدگاه عشق به مثابه قصه نمود. هدف وی در این تحقیق این بود که مشخص گردد هر کدام از این قصه‌ها تا چه میزان نشان دهنده دیدگاههای خود مردم در باره عشق است. آنان پرسشنامه خود را روی ۶۰ زوج دوره کارشناسی اجرا کردند. نتایج حاکی از آن است که در ۴ قصه، تفاوت جنسیت، خود را به وضوح نشان می‌دهد. قصه هنر، کلکسیون، زشت نگاری (در این ۳ مورد اکثریت با مردها بود) و قصه سفر که زنها در آن اکثریت را داشتند. در مورد میانگین ارزشگذاری نیز تفاوت فاحشی به چشم می‌خورد. به این صورت که قصه وحشت کمترین نمره را آورد و قصه باغبانی حداکثر نمره را گرفت. در مورد روابط آرمانی، مردان بیشتر برای قصه هنر، کلکسیون و زشت نگاری ارزش قایل بودند و زنان برای قصه تجارت ارزش بیشتری قایل می‌شدند. در ارزشگذاری کلی نیز قصه وحشت، حداقل و باغبانی، حداکثر امتیاز را آورد، یعنی آنکه قصه وحشت کمتر از همه قصه‌های دیگر مورد پسند بود و باغبانی بیش از همه.

اشترنبرگ (۱۹۹۶) در بررسی قصه عشق ۴۳ زوج، دریافت که مردان بیش از زنان احتمال گرایش به قصه هنر، زشت نگاری و قصه ایثار دارند. یعنی آنکه مردان در مقایسه با زنان بیشتر به این گرایش دارند که همسر خود را به دیده شیء نگاه کنند اما در عین حال برخی از مردان حاضر بودند در روابط خود دست به فداکاری بزنند. زنان بیشتر گرایش به قصه سفر داشتند. همسران دیدگاه مشابهی نسبت به قصه‌ها داشتند، بدین معنا که همسران در زمینه انتخاب قصه مورد علاقه در مجموع با هم همخوان بودند و در نتیجه همان گونه که این نظریه پیش بینی می‌کند، مردم میل دارند با کسانی ازدواج کنند که دیدگاه آنها نسبت به قصه‌های عشق مشابه باشد. برخی از قصه‌ها، از نظر رضایت زوجهای درگیر در روابط نزدیک، طرفداران کمتری داشتند. مانند قصه تجارت، مجموعه داری، وحشت، معما، پلیس، بهبودی، علمی-تخیلی و تاتر. لازم به ذکر است که قصه‌ها رضایت مندی را تضمین نمی‌کنند، ولی آن را تسهیل می‌کنند. هر چه بین قصه‌های زوجین همخوانی بیشتری باشد، سطح رضایت مندی بالاتر خواهد بود و هر چه بین دیدگاه همسران نسبت به قصه‌ها تفاوت بیشتری باشد، همسران در رابطه خود ناراضی ترند.

در پژوهش اشترنبرگ، حجت و بارونز^۲ (۲۰۰۱) بر روی ۱۰۵ دانشجوی که ۵۵ نفر زن و ۵۰ نفر مرد بودند نتایجی به شرح زیر به دست آمد. این پژوهش به منظور بررسی همسانی درونی آزمون قصه عشق انجام شده بود نتایج تحلیل عاملی ۷ عامل را شناسایی کردند. عامل اول شامل قصه‌های وحشت، علمی-تخیلی،

1. McGorge

2. Barnes & Hojjat

معما، تاتر، جنگ و حکومت و مجموعه داری بود که قصه‌هایی به شمار می‌آمدند که نقشها یکسان نبودند کمتر مقبولیت اجتماعی داشتند. عامل دوم شامل قصه‌های بافندگی، سفر و باغ بود که قصه‌های اجتماع پسند محسوب می‌شدند و نقشهای آنها برابر بود و همسران با هم تشریک مساعی داشتند. عامل سوم، از قصه‌های آشپزی، علم، بازی، و تجارت تشکیل یافته بود و روابط در آنها سرد و قالبی بود. عامل چهارم شامل قصه‌های بهبودی، تاریخ و اعتیاد بود که در آنها تاکید قوی بر نقش گذشته بود و افراد نیاز داشتند تا از گذشته دردناک و ناشاد خود فرار کنند. عامل پنجم شامل قصه‌های خیال، هنر و مذهب بود که بر ایده آل سازی تاکید می‌شد. عامل ششم شامل قصه‌های طنز، زشت نگاری و نیز هنر بود که بر تصورات بصری تاکید می‌شد و در آن یکی برای دیگری کاری را انجام میداد.. عامل هفتم شامل قصه‌های پلیس و ایثار بود که در آن یکی رییس و دیگری تابع بود.

اشترنبرگ، حجت و یارونز (۲۰۰۱) در پژوهش دیگری که بر روایی بیرونی تمرکز داشت ۴۳ زوج دانشجویی که میانگین سنی آنها ۲۰ سال بود و رابطه آنها حداقل یک سال دوام داشت را مورد مطالعه قرار دادند. در این پژوهش قصه‌های زنان و مردان فقط در ۵ مورد تفاوت معنی دار داشت. نمرات مردان در قصه‌های هنر، زشت نگاری، علمی-تخیلی و ایثار بالاتر از زنان بود و نمرات زنان در قصه سفر بالاتر بود. بین قصه‌های تجارت، مجموعه دار، بازی، حکومت، وحشت، طنز، معما، پلیسی، بهبودی، علمی-تخیلی، تاتر، و رضایت از رابطه با یکدیگر همبستگی معنی دار به دست آمد و هیچ کدام از قصه‌ها با رضایت مندی از رابطه، همبستگی مثبت معنی دار نداشتند.

عابدی (۱۳۸۳) در یک مطالعه موردی (هر مورد ۷ تا ۱۰ جلسه) بر روی ۱۰ نفر که شکایت اصلی آنان در رابطه با عشق بود، کار درمانی را بر مبنای نظریه عشق به مثابه داستان انجام داد، نتایج پژوهش، حاکی از تاثیر نسبی این نوع مداخله در سالم سازی رفتارهای عاشقانه دانشجویان است. در این پژوهش آنچه بیش از همه کمک کننده بود، داستانهای ۲۵ گانه اشترنبرگ بود که مسیر زندگی هر فرد را تعیین می‌کرد. پس از مداخله، رفتارهای سالمتر، تقریباً در همه افراد گروه ایجاد شد، ضمن آنکه رفتارهای بسیار افراطی کنترل شد و تفکر در مورد شیوه صحیح ادامه مسیر افزایش یافت.

هدف کلی پژوهش حاضر تعیین میزان اثر بخشی آموزش پیش از ازدواج بر تغییر قصه عشق دانشجویان بر اساس نظریه اشترنبرگ است. همچنین این پژوهش در زمینه تکمیل و یا اصلاح آموزشهای موجود در جهت شناسایی خلاءهای احتمالی مفید خواهد بود. در این تحقیق محقق به دنبال کشف روشی برای پیشگیری از انتخابهای غلط، قبل از ازدواج، خصوصاً انتخابهای مبتنی بر روابط عاشقانه و عاطفی می‌باشد. به عبارتی محقق به دنبال کشف نحوه اثر بخش تر کردن آموزشهای مرتبط با ازدواج خصوصاً در بعد عاطفی و مسایل عاشقانه است، به این معنی که با مشخص شدن نوع تاثیراتی که آموزشهای پیش از ازدواج بر روی داستان عشق افراد ایجاد می‌کنند، به افراد جهت آگاهی از این تغییرات، کمک کرد و هم چنین به آنها در انتخابهای سالم تریاری رساند.

فرضیه‌های پژوهش بر اساس حیطه‌های مقیاس قصه عشق به شرح زیر می‌باشند.

۱- آموزش پیش از ازدواج بر تغییر قصه‌های جامعه پسند، سلطه جویی، سلطه پذیری، لذت جویی و

سرگرمی دانشجویان دختر مجرد موثر است.

- ۱- آموزش پیش از ازدواج بر تغییر قصه‌های جامعه پسند دانشجویان دختر مجرد موثر است.
- ۲- آموزش پیش از ازدواج بر تغییر قصه‌های سلطه جویی دانشجویان دختر مجرد موثر است.
- ۳- آموزش پیش از ازدواج بر تغییر قصه‌های سلطه پذیری دانشجویان دختر مجرد موثر است.
- ۴- آموزش پیش از ازدواج بر تغییر قصه‌های لذت جویی دانشجویان دختر مجرد موثر است.
- ۵- آموزش پیش از ازدواج بر تغییر قصه‌های سرگرمی دانشجویان دختر مجرد موثر است.

روش شناسی پژوهش

طرح تحقیق

طرح این پژوهش از نوع نیمه تجربی با پیش آزمون-پس آزمون و گروه آزمایش و گروه کنترل می‌باشد. لذا از بین داوطلبین شرکت کننده در آموزشهای قبل از ازدواج، نمونه‌ها به شکل تصادفی انتخاب و به شکل تصادفی در گروه‌های مربوطه تقسیم شدند.

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر مجرد دانشگاههای آزاد و پیام نور شهرستان دزفول می‌باشد. نمونه گیری به این صورت انجام شد که ۵۰ نفر از دانشجویان دختر مجرد دانشگاههای ذکر شده به صورت تصادفی ساده انتخاب، و به ۲ گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. سپس پرسشنامه پژوهش جهت پیش آزمون و پس آزمون در اختیار ۲ گروه قرار گرفت. حجم نمونه براساس نوع روش تحقیق، و نظر دلاور (۱۳۸۰) که معتقد است برای تحقیقات علی-مقایسه ای و تحقیقات آزمایشی حداقل در هر گروه ۱۵ نفر آزمودنی باید شرکت کنند، انتخاب گردید.

ابزار پژوهش

در این پژوهش از مقیاس قصه عشق که توسط اشترنبرگ ساخته شده و در ایران توسط کرمی و علایی کلجاهی (۱۳۸۶) هنجاریابی شده است استفاده گردید. این مقیاس شامل ۱۰۰ سؤال و ۳۳ خرده آزمون (۳۳ قصه و زیر مجموعه آنها) است. تمامی این قصه ها در ۵ عامل اصلی تحت عنوان قصه های جامعه پسند، قصه های سلطه جویی، قصه های سلطه پذیری، قصه های لذت و قصه های سرگرمی خلاصه می شوند. در خصوص پایایی این آزمون، ضریب همبستگی کلی از محاسبه ۳۳ میانگین قصه ها با روش باز آزمایی به دست آمده برای مردان و زنان به ترتیب برابر با ۰/۹۹۲ و ۰/۹۹۷ که در سطح ۰/۰۰۱

معنی دار است. همچنین آلفای کرونباخ بدست آمده برای گروه مردان برابر با ۰/۸۹ و برای زنان برابر با ۰/۹۰ می باشد که با توجه به مقادیر به دست آمده می توان گفت که مقیاس مورد استفاده از پایایی بسیار مناسبی برخوردار است.

لازم به ذکر است که این مقیاس به صورت لیکرت ۷ درجه ای نمره گذاری می شود، بدین صورت که ۱= کاملاً مخالفم، ۲= مخالفم، ۳= تقریباً مخالفم، ۴= نه مخالف و نه موافق، ۵= تقریباً موافق، ۶= موافقم، ۷= کاملاً موافقم. ۳۳ خرده مقیاس این آزمون عبارتند از ایثار، حکومت، حاکم، رعیت، پلیس، مظنون، زشت نگاری، فاعل، مفعول، وحشت افکن، قربانی، علمی- تخیلی، مجموعه دار، هنر، خانه و خانواده، در حال بهبودی، هم

اعتیاد، مذهب، بازی، سفر، بافندگی، باغ و باغچه، تجارت، اعتیاد، خیال، تاریخ، علم، آشپزی، جنگ، هنر پیشه، هوادار، تماشاچی، کمترین، چهره معمایی و کار آگاه می باشند (کرمی و علایی کلجاهی، ۱۳۸۶). حداقل و حداکثر نمره ای که یک آزمودنی ممکن است در یک عامل (متغیر) کسب کند و تعداد ماده های هر عامل (متغیر) در جدول اذکر می شود.

جدول ۱. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در مقیاس قصه عشق و تعداد ماده های هر عامل

حداکثر نمره	حداقل نمره	تعداد سؤال	حداقل و حداکثر نمره سئوالات عامل (متغیر)
۲۹۴	۴۲	۴۲	قصه های جامعه پسند
۱۸۲	۲۶	۲۶	قصه های سلطه جویی
۵۶	۸	۸	قصه های لذت جویی
۸۴	۱۲	۱۲	قصه های سرگرمی
۸۴	۱۲	۱۲	قصه های سلطه پذیری
۷۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل پرسشنامه

جهت روایی مقیاس قصه عشق، کرمی و علایی کلجایی (۱۳۸۶) از روش روایی ملاکی استفاده کردند و مقیاس قصه عشق را با مقیاس ۲۵ ماده ای رضایت زناشویی هادسون، همبسته نمودند. نتایج نشان می دهد که بین این دو مقیاس ۰/۳۳ همبستگی وجود دارد که در سطح ۰/۰۱ معنی دار می باشد. به عبارتی نتایج نشان داد که هر چه میزان نمره تشابه قصه عشق زوجین، کمتر شود، میزان رضایت زوجین از ازدواج نیز کمتر می شود و بالعکس.

در پژوهش حاضر جهت بررسی روایی پرسشنامه، نمره های آزمودنی ها در پنج خرده مقیاس پرسشنامه، با نمره کل آن همبسته شد که ضرایب همبستگی بین پنج مقیاس و نمره کل در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. روایی پرسشنامه در پژوهش حاضر

کل مقیاس		شاخصهای آماری
ضریب همبستگی	سطح معنی داری	خرده مقیاس
۰/۷۴	۰/۰۰۱	قصه های جامعه پسند
۰/۸۷	۰/۰۰۱	قصه های سلطه جویی
۰/۶۱	۰/۰۰۱	قصه های لذت جویی
۰/۵۷	۰/۰۰۱	قصه های سرگرمی
۰/۶۵	۰/۰۰۱	قصه های سلطه پذیری

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می شود ضرایب همبستگی بین پنج خرده مقیاس پرسشنامه با نمره کل آن در سطح $p < 0/001$ معنی دار می باشند که نشان از روایی محتوایی پنج خرده مقیاس این پرسشنامه است.

جهت تعیین پایایی از ۲ روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده گردید که نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است. نتایج ذکر شده حاکی از پایایی بالای ابزار مورد استفاده است.

جدول ۳. پایایی پرسشنامه قصه عشق در پژوهش حاضر

تنصیف	آلفای کرونباخ	تعداد سؤال	شاخصهای آماری متغیر
۰/۸۲	۰/۸۳	۴۲	قصه های جامعه پسند
۰/۷۹	۰/۸۳	۲۶	قصه های سلطه جویی
۰/۷۰	۰/۶۳	۸	قصه های لذت جویی
۰/۶۸	۰/۵۴	۱۲	قصه های سرگرمی
۰/۶۳	۰/۶۵	۱۲	قصه های سلطه پذیری
۰/۸۶	۰/۸۹	۱۰۰	کل پرسشنامه

همانگونه که در جدول ۳ ذکر گردیده ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه معادل ۰/۸۹ و ضریب تنصیف برای کل پرسشنامه معادل ۰/۸۶ می باشد که نشان دهنده پایابودن و مناسب بودن ابزار مورد استفاده در این پژوهش است. لازم به ذکر است که این یافته هماهنگ و نزدیک با نتایج ذکر شده توسط (کرمی و علایی کلجاهی، ۱۳۸۶) می باشد.

روش اجرا

پس از انتخاب آزمودنیها و مشخص شدن گروه های آزمایش و کنترل، کار اجرای پژوهش آغاز گردید. با توجه به نوع تحقیق، قبل از شروع آموزش پیش از ازدواج، پرسشنامه قصه عشق در اختیار آزمودنی های گروه کنترل و گروه آزمایش قرار گرفت. لازم به ذکر است که اعضای ۲ گروه هیچگونه شناخت و ارتباطی بایکدیگر نداشتند و پس از اجرای آموزش پیش از ازدواج مجدداً مقیاس قصه عشق بر روی آزمودنیها اجرا گردید. کارگاه آموزشی به مدت ۱۰ جلسه و یک روز درمیان از ساعت ۹ الی ۱۰/۳۰ صبح به مدت ۹۰ دقیقه جهت گروه آزمایش اجرا گردید و در این مدت گروه کنترل در معرض متغیر مستقل قرار نگرفتند. شرح محتوی جلسات و تمرینات عملی و آموزشهای نظری داده شده در زیر به طور خلاصه مورد اشاره قرار می گیرد.

جلسه اول: معارفه و آشنایی با ضرورت و اهمیت آموزش قبل از ازدواج (کار عملی)

جلسه دوم: نحوه آشنایی افراد برای ازدواج، منابع جذابیت افراد و تعریف نامزدی و کارکردهای آن (کار عملی)

جلسه سوم: خواستگاری و نحوه انجام آن بر اساس مدل ارتباط و اجزای آن و سئوالات و نکات مربوطه (تمرین خواستگاری)

جلسه چهارم: آشنایی با عشق و انواع آن، تاثیر ناخود آگاه در عشق

جلسه پنجم: عقد، ویژگیها و شرایط آن، مسایل ارتباطی بین زوجها

جلسه ششم: ملاکهای انتخاب همسر (بحث گروهی و کار عملی)
 جلسه هفتم: ملاکهای انتخاب همسر (بحث گروهی و کار عملی)
 جلسه هشتم: سال اول زندگی، مسایل زندگی مشترک و زمان مناسب بچه دار شدن
 جلسه نهم: مسایل جنسی و آشنایی با چرخه جنسی و اختلالات جنسی در مردان و زنان
 جلسه دهم: عوامل اثر گذار بر کیفیت رابطه جنسی و جمع بندی جلسات

یافته های پژوهش

در این پژوهش داده ها به ۲ صورت توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. توصیفی شامل استفاده از میانگین و انحراف معیار، و در تحلیل استنباطی، از روش تحلیل کوواریانس چند متغییری استفاده شد. سطح معنی داری با آلفای ۰/۰۱ محاسبه شد. در جدول ۴ میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی های ۲ گروه، در قسه های عشق، ذکر شده اند.

جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد نمره های قسه های عشق آزمودنی های گروه آزمایش و کنترل، در مراحل پیش آزمون و پس آزمون

گروه کنترل	گروه آزمایش		شاخص های آماری	قصه ها	
	میانگین	انحراف استاندارد			
۲۰/۵۸	۲۲۰/۳	۱۹/۱۵	۲۲۱/۸	قصه های جامعه پسند	گروه آزمایش
۱۹/۲۴	۸۳/۲۰	۱۷/۰۳	۸۲/۹۲	قصه های سلطه جویی	
۷/۱۱	۲۶/۳۶	۵/۳۰	۲۵/۷۶	قصه های لذت جویی	
۷/۸۱	۵۰/۲۰	۷/۷۶	۵۰/۴۴	قصه های سرگرمی	
۸/۸۲	۳۷/۰۴	۵/۸۵	۳۶/۸۸	قصه های سلطه پذیری	
۱۹/۵۵	۲۱۹/۱۲	۱۶/۶۳	۲۰۳/۹۲	قصه های جامعه پسند	گروه کنترل
۱۸/۲۵	۸۰/۱۶	۱۵/۰۱	۷۲/۳۲	قصه های سلطه جویی	
۶/۶۵	۲۴/۵۲	۵/۳۲	۲۱	قصه های لذت جویی	
۸/۶۵	۵۰/۴۴	۷/۴۱	۴۳/۰۴	قصه های سرگرمی	
۷/۷۷	۳۶/۸۴	۸/۴۹	۲۷/۲۴	قصه های سلطه پذیری	

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می شود، میانگین و انحراف استاندارد نمره های قسه های جامعه پسند، سلطه جویی، لذت جویی، سرگرمی و سلطه پذیری در مرحله پس آزمون نسبت به پیش آزمون، برای گروه آزمایش متفاوت است و تغییر یافته و این در حالی است که در گروه کنترل چنین تغییراتی صورت نگرفته است. برای آزمون فرضیه های پژوهش از تحلیل کوواریانس چند متغییری استفاده شد. نتایج به دست آمده در جدول ۵ و ۶ ارایه شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل کواریانس چندمتغیری روی نمره های پس آزمون قصه های عشق گروه های آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون

شاخصهای آماری	مقدار	F	فرضیه df	خطا df	سطح معنی داری
نام آزمون	۰/۸۳۴	۴۳/۳۵	۵	۴۳	۰/۰۰۱
آزمون اثر پیلاپی	۰/۱۶۶	۴۳/۳۵	۵	۴۳	۰/۰۰۱
آزمون لامبدای ویلکز	۵/۰۴	۴۳/۳۵	۵	۴۳	۰/۰۰۱
آزمون اثر هتلینگ	۵/۰۴	۴۳/۳۵	۵	۴۳	۰/۰۰۱
آزمون بزرگترین ریشه روی	۵/۰۴	۴۳/۳۵	۵	۴۳	۰/۰۰۱

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می شود، سطوح معنی داری همه آزمونها ($p=0/001$) بیانگر این است که بین گروه های آزمایش و کنترل حداقل در یکی از متغیرهای وابسته با هم تفاوت معنی دار، دارند. برای پی بردن به این نکته که از لحاظ کدام متغیر بین دو گروه تفاوت وجود دارد، پنج تحلیل کواریانس تک متغیری در متن مانکوا انجام گرفت که نتایج حاصل در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمره های پس آزمون قصه های عشق گروه آزمایش و گروه کنترل، با کنترل پیش آزمون

شاخصهای آماری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میلگین مجذورات	F	سطح معنی داری
قصه های جامعه پسند	۵۹۳۶/۵۴	۱	۵۹۳۶/۵۴	۲۸/۲۴	۰/۰۰۱
قصه های سلطه جویی	۷۷۶۸/۰۱	۱	۷۷۶۸/۰۱	۶۴/۷۷	۰/۰۰۱
قصه های لذت جویی	۴۶۲/۹۱	۱	۴۶۲/۹۱	۱۷/۰۱	۰/۰۰۱
قصه های سرگرمی	۶۶۴/۵۷	۱	۶۶۴/۵۷	۱۲/۷۴	۰/۰۰۱
قصه های سلطه پذیری	۸۸۱/۷۲	۱	۸۸۱/۷۲	۱۸/۰۱	۰/۰۰۱

همانگونه که در جدول ۶ مشاهده می شود، بین آزمودنی های گروه آزمایش که آموزش پیش از ازدواج دیده اند و گروه کنترل که هیچگونه آموزشی دریافت نکرده اند از نظر قصه های جامعه پسند ($F=28/24$ و $p<0/001$)، قصه های سلطه جویی ($F=64/77$ و $p<0/001$)، قصه های لذت جویی ($F=17/01$ و $p<0/001$)، قصه های سرگرمی ($F=12/74$ و $p<0/001$) و قصه های سلطه پذیری ($F=18/01$ و $p<0/001$) تفاوت معنی داری وجود دارد. بنابراین همه فرضیه های پژوهش حاضر مورد تایید قرار گرفتند.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین میزان اثر بخشی آموزش پیش از ازدواج، بر قصه های عشق دانشجویان دختر مجرد در شهرستان دزفول بود. نتایج حاصل از تحلیل داده هانشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر قصه های عشق دانشجویان دختر گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل تاثیر دارد. به بیان دیگر، آموزش

پیش از ازدواج قصه های جامعه پسند، سلطه جویی، لذت جویی، سلطه پذیری و سرگرمی دانشجویان دختر را تغییر داد و سطح تمام این قصه ها کاهش یافت و این یافته ها، نشان دهنده تغییر پذیری قصه عشق افراد است که هماهنگ با نظریه اشترنبرگ (۱۹۹۸)، ترجمه بهرامی، (۱۳۸۶) است. همانگونه که قبلاً اشاره گردید اشترنبرگ معتقد است که قصه ها با گذشت زمان دگرگون می شوند و انسانها همیشه در حال دستکاری قصه های خود هستند و در شرایط گوناگون قصه ها عوض شده، و بسط و گسترش می یابند. به تدریج قصه های تازه جایگزین قصه های قدیمی می شوند، و به تدریج که انسان در مسیر زندگی با عوامل گوناگون برخورد می کند و حتی با ورود افراد تازه به زندگی فرد، فصلهای تازه ای به قصه عشق افراد وارد می شود و یا اینکه کاملاً قصه عشق تحول می یابد.

پس با توجه به موارد ذکر شده، و می توان بیان کرد که آموزش پیش از ازدواج به عنوان یک عامل تغییر دهنده در قصه عشق می تواند مورد توجه قرار گیرد. به عبارتی قصه های عشق علاوه بر آنکه از شرایط مختلف زندگی و افراد تازه ای که به زندگی فرد وارد می شود تاثیر می پذیرند، از آموزش نیز متاثر می گردند، به عبارت بهتر می توان به طور آگاهانه و اکتسابی قصه عشق افراد را تغییر داد و یا افرادی که خودشان فکر می کنند قصه عشق آنها نیاز به تحول دارد، با برخورداری از آموزش و مطالعه و یا با کمک گرفتن از یک متخصص حرفه ای در این امر، می توانند تغییرات مطلوب را در قصه عشق خودشان ایجاد کنند. بر اساس این یافته می توان مدعی آن شد که قصه های عشق افراد یک ساختار خشک و غیر قابل انعطاف ندارد بلکه از انعطاف و تغییر پذیری برخوردار است و این موضوع می تواند در درمان و مشاوره مسایل عاشقانه و عاطفی مورد توجه قرار گیرد. در خصوص تعیین اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر قصه های جامعه پسند دانشجویان، می توان به نظر کرمی و علایی کلجاهی (۱۳۸۶) اشاره کرد. آنها در تحلیل عاملی که در زمینه مقیاس قصه عشق انجام دادند متوجه شدند که وجه اشتراک قصه های جامعه پسند آن است که این قصه ها از مقبولیت اجتماعی زیادی برخوردارند. افراد معتقد به این قصه ها دارای اصول و ملاکهایی برای عشق هستند که این اصول و ملاکها از ۲ منبع ناشی می شود، یا افراد خودشان چارچوب و اصولی برای عشق تعریف می کنند یا اینکه چارچوب و ملاکهای آنها منبع بیرونی دارد و افراد از شرایط تعریف شده در مورد عشق توسط جامعه و دوستان و خانواده و... به اصولی درباره عشق دست می یابند. یافته های مربوط به فرضیه ۱-۱ نشان می دهد که گذشته از اینکه افراد از چه منبعی اصول خود را دریافت کرده اند، با آموزش پیش از ازدواج این تعریف آنها از عشق تغییر می کند. به عبارتی کاهش در سطح قصه های جامعه پسند شرکت کنندگان در آموزش، حاکی از آن است که آنان از بعضی اصول و تعاریف و دیدگاههای خود نسبت به عشق عقب نشینی کرده و با کسب آگاهی بیشتر در مورد ابعاد گوناگون ازدواج، دیدگاه خود را تصحیح می کنند. این یافته منطبق با دیدگاه السون، (۱۹۹۹) می باشد. وی معتقد است که افراد با برخی تفکرات و اصول غیر واقع بینانه وارد رابطه ازدواج می شوند و این باورها در برخی موارد تخریب کننده و ویرانگر است. و اصلاح این باورها نیازمند آموزش است. برنامه های آماده سازی برای ازدواج، دقیقاً جهت این هدف طراحی گردیده است.

همان طور که نتایج نشان داد آموزش پیش از ازدواج، موجب کاهش قصه های سلطه جویی و سلطه پذیری می شود. به عبارتی، افرادی که فکر می کنند در ازدواج یکی از زوجین (خودشان) در عشق و رابطه باید حرف آخر و تصمیم گیری اصلی را بر عهده داشته باشند، به این نتیجه می رسند که این دیدگاه اشتباه

است و سلطه گری موجب مشکل و اختلال در روابط بین زوجها در آینده و زندگی مشترک خواهد شد و ازدواج یک تصمیم گیری مشترک و یک رابطه برابر است. این یافته هماهنگ با تحقیقات برگر و هانا (۱۹۹۹) است. آنان معتقدند که زوجین باید دیدگاه برابری در ازدواج داشته باشند تا بهتر به حل اختلافات و تعارضاتی که در رابطه روی می دهند بپردازند. همچنین این یافته بیان کننده آن است که افرادی که در عشق دارای این دیدگاه هستند که جهت حفظ روابط عاشقانه، بهتر است همیشه و یا اغلب موارد کوتاه آیند (قصه های سلطه پذیری دارند)، این افراد نیز سطح قصه های آنان بر اساس جداول ۵ و ۶ کاهش یافته است. به عبارتی بر اثر این آموزش و آگاهی از اصول ارتباطی و شناخت بیشتر از مقوله ازدواج به این نتیجه می رسند که سکوت و یا کوتاه آمدن روش مناسبی جهت ارتباط عاشقانه نمی باشد و این یافته منطبق با نظریه برنامه مواجهه با ازدواج است. دیمارست، سکستون و سکستون^۲ (۱۹۷۱) اظهار داشته اند که در درون هر انسان یا هر زوج انرژی یک عشق روحانی نهفته است که می توان آن را آزاد ساخت و آشکار کرد. تنها راه آزاد سازی این عشق، آن است که انسانها مکنونات قلبی خود را در مقاطع مختلف زندگی با یکدیگر در میان بگذارند. که این امر رخ نمی دهد مگر با یک گفتگوی مستمر و همیشگی بین افراد و بیان عقاید و دیدگاهها، و با سکوت و یا کوتاه آمدن مشکل حل نمی شود.

یافته ها نشان داد آموزش پیش از ازدواج، باعث کاهش قصه های لذت جویانه می گردد. در این خصوص می توان بیان داشت، افرادی که در عشق فقط به بعد لذت جویی نگاه می کردند و رابطه عاشقانه ازدواج را، یک رابطه به شدت لذت جویانه می دانستند، دیدگاهشان پس از آموزش تغییر کرده و کاهش یافت. آنان متوجه ابعاد جدی در ازدواج شدند. همان گونه که به نظر ارونسون (۱۹۹۹)، ترجمه شکر کن (۱۳۸۲)، سینمای هالیوود این تمایل را دارد که رابطه عاشقانه را اساسا و فقط به صورت لذت جویی (شور و هیجان) تعریف کند و بامایستر^۳ (۱۹۹۱) اظهار می کند که عشق آتشین (لذت جویانه) از بسیاری جهات حالت هشیاری دگرگون شده ای است. با اینکه این حالت می تواند هیجان انگیز باشد، ولی برای اخذ تصمیمات دارای پیامدهای بلند مدت و گسترده مانند ازدواج، بهترین حالت نیست. السون (۱۹۹۹) نیز معتقد است عشق و ازدواج یک رابطه مبتنی بر خلاقیت، تلاش مشترک و کار مداوم است و فقط از بعد لذت جویی نمی توان به این رابطه نگاه کرد. افرادی که معتقد به قصه های لذت جویی هستند، اهمیت زیادی به لذت جسمی و جنسی می دهند و از دیدگاه آنان، این مسایل برجستگی خاصی دارد. در این قصه ها هر فردی خواهان شریکی است که منبع لذت دهی باشد و تناسب ظاهری و زیبایی فیزیکی همسر از اهمیت بالایی برخوردار است و دیدگاه شیء گرایانه ای نسبت به همسر خود دارند و معتقدند داشتن همسری زیبا باعث پابندی به رابطه و ازدواج می شود، در صورتی که یافته ها بیان کننده آن است که، این نوع نگرش شرکت کنندگان در پژوهش کاهش یافته است. این یافته منطبق با تحقیقات نجاریان (۱۳۸۷) می باشد. نجاریان در این تحقیق خود نشان داد که تعهد به زندگی و رابطه، عامل مهمی در ثبات و پایداری ازدواج است نه دیدگاه لذت جویانه.

نتایج نشان داد که آموزش پیش از ازدواج، باعث تغییر قصه های سرگرمی می شود. افرادی که معتقد به

1. Berger & Hannah
2. Demarest, Sexton & Sexton
3. Baumeister

قصه‌های سرگرمی هستند، به ازدواج و انتخاب فردی برای ازدواج، به دید سرگرمی و تفریح می‌نگرند و ازدواج را امری تفریحی و برای مشغولیت می‌دانند. روابط این افراد سطحی است و بین همسران فاصله عاطفی وجود دارد و در نتیجه معمولاً به یک رابطه عاطفی عمیق و صمیمانه و واقعی نمی‌رسند. این افراد امور زندگی را جدی نمی‌گیرند و مسئولیت‌پذیری کمی دارند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش پیش از ازدواج توانسته است، این دیدگاه و این نوع تعریف از عشق را کاهش دهد. به گونه‌ای که افراد شرکت‌کننده، به ازدواج به عنوان یک پدیده مهم که نیاز به پذیرش مسئولیت دارد، بنگرند. پذیرش مسئولیت در ازدواج ارتباط نزدیکی با بعد تعهد در مثلث عشق اشترنبرگ (۱۹۸۸) دارد. و افراد متعهد احساس مسئولیت بیشتری در ازدواج دارند و ازدواج و عشق را با دیده تعهد، و نه تفریح و سرگرمی می‌نگرند.

به طور کلی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش پیش از ازدواج، باعث انعطاف در دیدگاه‌های افراد، نسبت به عشق و روابط عاشقانه در ازدواج می‌شود و افراد بر اثر این آموزش به تغییر دیدگاهها و ملاکهای خود در قصه عشق نایل می‌شوند و با نگرش وسیع تر و عمیق تری به عشق و ازدواج می‌نگرند و با وظایف و تکالیف خود در ازدواج آشنا می‌گردند. همچنین ازدواج را یک امر جدی و در عین حال عاطفی تلقی می‌کنند که نیازمند تلاش، صبر، خلاقیت و داشتن مهارتهایی است که انسان باید قبل از وارد شدن به ازدواج آنها را فرا گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان در آموزش پیش از ازدواج، با تغییراتی که در قصه‌های آنان ایجاد می‌شود متوجه می‌شوند که در ازدواج به تفکر بیشتری نیاز دارند و درمی‌یابند که رابطه عاشقانه یک رابطه ۲ طرفه و تساوی گونه است نه رابطه‌ای که یک نفر جایگاه و حقوق بالاتر و طرف دیگر وظایف و تکالیف بیشتری داشته باشد بلکه عشق و ازدواج یک رابطه ۲ سویه و برابر است که هر کدام به گونه‌ای متفاوت، با اجرای صحیح وظایف خود، می‌توانند به تداوم این رابطه عمیق و عاشقانه و عاطفی کمک کنند.

پیشنهاد می‌شود این نوع پژوهشها در سنین مختلف و با فرهنگهای متفاوت اجرا گردد، همچنین با توجه به اثر بخشی آموزش پیش از ازدواج، جزوات و نرم افزارهای چند رسانه‌ای توسط نهادهای متولی امر ازدواج، جهت گسترش این آموزشها تهیه و توزیع گردد.

منابع

- اشترینگر، رابرت جی. (۱۹۹۸). قصه عشق نگرشی تازه به روابط زن و شوهر. ترجمه علی اصغر بهرامی (۱۳۸۶). تهران: انتشارات جوانه رشد.
- ارونسون، الیوت. (۱۹۹۹). روانشناسی اجتماعی. ترجمه حسین شکرکن (۱۳۸۲). تهران: انتشارات رشد.
- امیدوار، بنفشه. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات و نگرشهای زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج در شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه شیراز.
- اولیاء، نرگس. (۱۳۸۸). آموزش غنی سازی زندگی زناشویی. تهران: انتشارات دائره، چاپ اول.
- خمسه، اکرم. (۱۳۸۲). آموزش قبل از ازدواج. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- دلاور، علی. (۱۳۸۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی، تهران: انتشارات رشد.
- عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۳). مشاوره با عشاق، مجموعه مقالات دومین سمینار بهداشت روانی دانشجویان، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- عطاری، یوسفعلی، خالقی نژاد، خوشه، عباس پور، زهرا، راسخ، عبدالرحمن. (۱۳۸۷). نیازهای آموزشی زوجین قبل از ازدواج از دیدگاه زوجین مراجعه کننده به مراکز بهداشتی مشهد. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۸(۲)، ۲۴۷-۲۵۳.
- کرمی، ابوالفضل و علایی کلجاهی، پروانه. (۱۳۸۶). مقیاس قصه عشق بر اساس نظریه عشق به مثابه یک داستان، تهران: انتشارات روان سنجی.
- میرمحمدصادقی، مهدی. (۱۳۸۴). آموزش پیش از ازدواج. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نجاریان، سمانه. (۱۳۸۷). تاثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگیهای تعهد در دختران دانشجوی دانشگاه آزاد فسا. فصلنامه خانواده پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- Anderson, J. (2005). Systematic Review of the Impact of Marriage and Relationship Programs. Washington: Urban Institute.
- Berger, R., & Hannah, M. (1999). Preventive approaches in couples therapy. Philadelphia: Brunner/Mazel.
- Baumeister, R. (1991). Meanings of life. New York: Guilford Press.
- Carroll, J.S., & Doherty, W.J. (2003). Evaluating the effectiveness of premarital prevention programs: A meta-analytic review of outcome research. Family Relations, 52, 105-118.
- Demarest, D., Sexton, J., & Sexton, M. (1971). Marriage encounter: A Guide to sharing. Minneapolis, MN: Carillon Books.
- Francesca A. B. (2004). Implications of remarriage and stepfamily formation for marriage education. Journal Family Relation, 2004, 53, 448-458.
- Hatfield, E., & Walster, G.W. (1978). A new look at love. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Hatfield, E., & Rapson, R. (1993). Love and attachment processes. In M. Lewis & J.M. Haviland (Eds.), Handbook of emotions (pp. 595-604). New York: Guilford Press.
- Michal, A., (2001). The Empirical validation of relationship enhancement Couple/family Therapies. In handbook of Research and Practice in Humanistic psychotherapies, edited by David Cain

- and Jules Seeman (Washington: American Psychological Association.
- McGorge.R.(2006).Premarital education: a assessment of program efficacy. Contemporary Family Therapy, 28(1), March(2006).
- Olson, D.H. ,&Olson, A.(1999).Preventive approach in couple thrapy.New York: tailor, Francis Pub.
- Robin. M(2005).Healthy marriage programs: Learning what works. Journal Future of Children , 15(2), 139-156.
- Rubin,Z.(1970).Measurement of romantic love.Journal of Personality and Social Psychology, 16,265-273
- Sprecher, S.(2002). A study of men and women from different sides of earth deterning if men are from mars and women are from vanes in their beliefs about love and romantic relationship. Sex Role, 46(5&6), 131- 137.
- Schliing, E.,Baucom, D., Burnett, C.K., Allen, E.S.,& Ragland, D.(2003).Altering the course of marriage: The effect or PREP communication skills acquisition on couples risk of becoming marital distressed. Journal of family Psychology,17(1).41-56.
- Sternberg, R.J., Hojjat, M., & Barnes, M.(2001).Empirical tests of a aspects of a theory of love as a story. European Journal of Personality ,15, 1-20.
- Sternberg, R.J.(1996).The triangle of love. New York: Basic Book.

تاریخ وصول: ۹۰/۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۸۹/۷/۶

Archive of SID